###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**صهیونیسم مسیحی و جهان اسلام**

چکیده

حرکت جهانی صهیونیسم از اواخر قرن نوزدهم به رهبری «هرتزل» در کنفرانسی که در سال 1897 در شهر بال سوئیس برگزار شد، بنا نهاده شد. بعد از جنگ جهانی اول، کانون ملی یهودیان در فلسطین به قیمومیت انگلیس تشکیل گردید و پس از جنگ دوم جهانی با محاصره و خرید (البته کل زمین‌هایی که یهودیان خریدند، هرگز از 2% تجاوز نکرد؛ ولی یهودیان مدعی هستند که زمین‌‌های فلسطینیان را خریدیم و با همین ادعا، خود را مالک بر کل سرزمین فلسطین می‌دانند!) زمین‌های فلسطینی، تبدیل به دولت و کشور اسرائیل شد؛ حتی در اواخر قرن نوزدهم، یعنی تقریباً 50 سال قبل از کنفرانس بال، نخست‌وزیر وقت انگلستان «بنیامین دیزرائیلی» به یک خانواده بزرگ یهودی قول تشکیل حکومت و دولتی یهودی در فلسطین را داده بود.بنابراین در حقیقت رهبران دینی و سیاسی انگلستان و سپس ایالات متحدة امریکا بانیان اصلی وحامیان فعلی صهیونیسم هستند؛ زیرا اگر غیر از این بود، کشورهای غربی، به‌ویژه همین دو کشور، واکنش‌های بسیاری دربرابر جنایات صهیونیسم‌ها در فلسطین و دیگر نقاط دنیا از خود نشان می‌دادند. در مجموع، بسیاری از صاحب‌نظران برجستة دنیا بر این عقیده هستند که صهیونیست‌ها اروپا و امریکا را اداره می‌کنند. به‌هرحال، حمایت‌های غرب به حدی است که سبب شده سازمان ملل و جوامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر نیز سکوت کنند و حتی امریکا با نفوذ خود، جلوی تحرک آن‌ها را به شکلی گرفته است که در حقیقت، سازمان ملل نیز در راستای منافع آن‌ها گام برمی‌دارد؛ چراکه بی‌شک یکی از انتظارات مهم جامعه جهانی از سازمان ملل، پایبندی به منشور خود می‌باشد. برمبنای تعریفی که در منشور این سازمان ارائه شده، مجمعی برای حفظ نظم و عدالت بین‌الملی است؛ زیرا تأسیس سازمان ملل، مولود تفکر دولت‌‌هایی است که در میانة جنگ دوم جهانی، تعرضات و جنایات جنگی چهره‌هایی مانند هیتلر را دیده بودند و با شکل‌دادن به این سازمان و فعال‌کردن آن در عرصة بین‌المللی، کوشیدند تا از ظهور دوبارة این‌گونه چهره‌ها جلوگیری ‌کنند و زمینه‌های تعر، توسعه‌طلبی و گردنکشی دولت‌های یاغی را در جهان از بین ببرند.اما از همان آغاز مشخص بود که دولت‌های مؤسس سازمان ملل، خود به‌دلیل حمایت از حکومت‌های دیکتاتوری و به‌دلیل دست داشتن در بسیاری از جنایات جنگی نمی‌توانستند موجودیت سازمانی را تضمین کنند که در منشور خود بر لزوم حراست از جهانی بدون تجاوز و خودکامگی تأکید کرده است. درواقع تضاد میان منشور و ماهیت موسسان، زمینه‌ساز اولیة ظهور جنایتکاران جنگی در عرصة بین‌المللی شد. تأسیس رژیم جنایت پیشة صهیونیستی نیز مولود همین تضاد بود؛ در نتیجه سازمانی که با هدف دفاع از امنیت، نظم و عدالت بین‌المللی شکل گرفته بود، خود عامل تجزیه فلسطین و واگذاری بخش عمدة این سرزمین به گروه‌های تروریستی یهودی گردید؛ به‌عبارت روشن‌تر، سازمان ملل و رژیم صهیونیستی، هر دو مولود جنگ دوم جهانی هستند، هر دو در یک مقطع زمانی شکل گرفتند و بانیان تأسیس هر دو آن‌ها، دولت‌های واحدی بودند و این مبدأ واحد، همان «صهیونیسم جهانی» است و هر دو به یک معنا کانون‌های ثقل سیاست غرب هستند؛ با این تفاوت که یکی مأموریت منطقه‌ای و دیگری مأموریت جهانی دارد. درواقع غرب، سازمان ملل و رژیم صهیونیستی، مکمل راهکار سیاسی یکدیگرند.در مقالة پیوست برآنیم تا 1. مشخص شود که چگونه موجودیت اسرائیل و صهیونیسم با منافع استراتژیک غرب، به‌ویژه امریکا و انگلیس عجین شده است و اهداف مشترک آن‌ها برای نابودی اسلام، به‌ویژه تشیع چیست؟ که حاصل بخشی از آن برنامه‌ها تا چندی پیش، نابودی فلسطین بود و بعد افغانستان و اکنون نیز عراق دستخوش این بازی قرارگرفته و به ترتیب کشورهای اسلامی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است و چگونه به بهانه‌های دینی و ظهور مسیح و تکیه بر تفاسیر گوناگونی از انجیل به خراب‌کردن اماکن مقدس اسلامی پرداخته و در حقیقت درصدد پیشبرد اهداف سیاسی خود هستند. نشان دادن چهرة واقعی امریکا و انگلیس و غرب به کسانی که همیشه دم از ارتباط با امریکا و غرب می‌زند؛ آن‌هایی که در خیال خود، این‌چنین می‌اندیشند که جنگ اسلام و کفر بر سر امور خرد است و بس و می‌توان در عین مسلمان بودن، غربی نیز زندگی کرد و بر سر در تمدن غرب، نام دین را هم نوشت. آن‌ها می‌خواهند با یک «بسم‌الله» لیبرال دموکراسی غرب را اسلامی کنند؛ غافل از این‌که غربی‌ها به نام دموکراتیزه کردن (به همان بهانه‌ای که امریکا بعد از نیافتن سلاح اتمی در عراق عنوان کرد که به علت دموکراتیزه کردن عراق ما این‌جا مانده‌ایم) می‌خواهند موجودیت، اسلام، سرزمین و همه چیز ما را بگیرند؛ و غافل هستند از این‌که جنگ، جنگ صلیبی است و در عراق نیز بوش این واژه را تصادفی و از روی سهو بر زبان جاری نکرد.